



هریوت رید

# فلسفہی هنر معاصر

محمد تقی فرامرزی



مؤسسۂ انتشارات نگاه

«تاسیس ۱۳۳۲»



## فهرست

عنوان .....	صفحه
درباره‌ی نویسنده .....	۷
پیشگفتار .....	۱۱

### بخش نخست

فصل اول: عصر جدید در هنر .....	۱۵
فصل دوم: وضع هنر در اروپا پس از جنگ دوم جهانی .....	۵۳
فصل سوم: سرنوشت نقاشی نوین .....	۷۳

### بخش دوم

فصل چهارم: هنر انسانی و طبیعت غیرانسانی .....	۹۳
فصل پنجم: رئالیسم و انتزاع در هنر مدرن .....	۱۱۵
فصل ششم: سوررئالیسم و اصل رمانتیک .....	۱۳۹

### بخش سوم

فصل هفتم: پل گوگن .....	۱۹۷
فصل هشتم: پابلو پیکاسو .....	۲۰۹



## درباره‌ی نویسنده

سِر هربرت رید (Sir Herbert Read) شاعر، منتقد، هوادار و مفسر بزرگ هنر مدرن و جنبش‌های هنری در بریتانیا از اوایل سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۳۹ تا پایان عمرش بود. وی روز ۴ دسامبر ۱۸۹۳ در یورکشایر چشم به جهان گشود و روز ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ در مالتن، چشم از جهان فرو بست. هربرت رید با درآمیختن دیدگاه‌های اجتماعی و فلسفی در بررسی‌های انتقادی توانست احترام به دستاوردهای هنری شاعران رماتیک سده‌ی نوزدهم بریتانیا را که تدریجاً روبه افول نهاده بود از نو زنده کند. در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۹ او از جمله شخصیت‌های صاحب‌نفوذ در جمع گروهی از شاعران بریتانیایی به‌شمار می‌رفت که خود را «مکاشفه‌ی نو» می‌نامیدند و با موجی از احساسات هیجانی در برابر شعر سیاسی و عقل‌گرایانه‌ی سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۳۹ از خود واکنش نشان می‌دادند. تأکید هربرت رید بر اهمیت هنر در یادگیری، در آموزش و پرورش بریتانیا مؤثر افتاد و تأکیدش بر فونکسیونالیسم، مَهر ماندگار خود را بر کار طراحان بریتانیا زد.

نخستین سال‌های زندگی و رشد هربرت رید در یک مزرعه سپری شد؛ گشت و گذارها و کندوکاوهای آزادانه‌ی هربرت رید در این مزرعه پس از حضور در مدرسه و برخورد با برنامه‌های یکنواخت و بازدارنده‌ی آموزش و پرورش ابتدایی، تضادی را برایش مطرح کرد که مایه‌ی اصلی نظریه‌های بعدی وی گردید. هربرت رید دوران کودکی خویش را در نوشته‌ای به نام چشم‌های بی‌گناه (۱۹۳۳) همراه با نوشته‌های دیگری به‌نام تجربه‌های متضاد (۱۹۳۶) انتشار داد. پس از مدتی کار در یک بانک، وارد دانشگاه لیدز شد. در سال‌های جنگ اول جهانی با درجه‌ی افسر

فصل نهم: پُل کله .....	۲۲۷
فصل دهم: پُل ناش .....	۲۴۳
فصل یازدهم: هنری مور .....	۲۷۵
فصل دوازدهم: بن نیکلسن .....	۳۰۹
فصل سیزدهم: کانستراکتیویسم، هنر نائوم گابو و آنتوان پوسنر .....	۳۲۳

## بخش چهارم

فصل چهاردهم: هنر انگلیسی .....	۳۵۵
یادداشت .....	۳۸۵
فهرست راهنما .....	۳۸۷



پیاده، مدت ۳ سال در خندق‌ها خدمت کرد. مجموعه‌ی اشعار هربرت رید در چندین جلد منتشر شده است: نخستین جلد با نام *جنگاوران برهنه* (۱۹۱۹) به چاپ رسید و نخستین مجموعه‌ی شعرهایش در سال ۱۹۲۶ و آخرین مجموعه‌ی شعرهایش در سال ۱۹۶۶ انتشار یافت.

پس از جنگ، هربرت رید دستیار رییس موزه ویکتوریا و البرت در لندن شد، در دانشگاه ادینبره تدریس کرد (۱۹۳۱-۱۹۳۲) و سردبیر و ویراستار نشریه‌ی *برلینگتن مگزین* (۱۹۳۹-۱۹۳۳) شد. در سال‌های (۱۹۳۰-۱۹۳۹) در لندن زندگی می‌کرد و روابطی بسیار نزدیک با هنرمندان و پیکرتراشانی چون هنری مور، باربارا هپورث، و بن نیکلسن داشت و علاقه‌ای که در تفسیرها و انتقادهایش به کارهای ایشان نشان می‌داد موجب استحکام و دوام کار ایشان شد. در سال‌های بعد، وقتش را به نوشتن، تدریس کردن و کار در موسسات انتشاراتی اختصاص داد.

از مهم‌ترین جنبه‌های نظریه‌های هربرت رید درباره‌ی هنر و ادبیات، تفاوتی است که وی نخستین بار در کتاب *شکل در شعر نو* (۱۹۳۲) بین شکل ارگانیک و انتزاعی قایل شد. خود هربرت رید به دفاع از شکل ارگانیک برخاست زیرا معتقد بود که این شکل برای پاسخ گفتن به نیاز بیان ویژه‌ای پدید می‌آید و از شکل انتزاعی که در هر زمانی وجود دارد و بر مضمون ویژه‌ای منطبق می‌شود، روی گردانید.

هربرت رید آثار انتقادی بسیاری آفرید که از مهم‌ترین‌شان می‌توان به نوشته‌های زیرین اشاره کرد: *هنر/امروز* (۱۹۳۳)، *آخرین ویرایش*: (۱۹۵۹)، *هنر و صنعت* (۱۹۳۴)، *آخرین ویرایش*: (۱۹۶۶)، *هنر و اجتماع* (۱۹۳۶)، *آخرین ویرایش*: (۱۹۶۰) *آموزش و پرورش به کمک هنر* (۱۹۵۲)، *آخرین ویرایش*: (۱۹۶۶) *صدای راستین احساس: بررسی‌هایی در شعر رمانتیک انگلستان* (۱۹۵۳)، و *فلسفه‌ی هنر معاصر* (۱۹۵۲)، *آخرین ویرایش*: (۱۹۶۶).

تقدیم به

ویلهم وورینگر

استاد گرانقدرم در فلسفه‌ی هنر



## پیشگفتار

شاید فلسفه‌ی هنر معاصر برای مجموعه مقالاتی که در طی پانزده سال و در زمان‌های مختلف نوشته شده‌اند، عنوانی بزرگ باشد. نمی‌توانم ادعا کنم که در تمامی این مدت نقشه‌ای واحد در سر داشته‌ام و برای رسیدن به هر هدفی از شیوه‌ی بیان ویژه‌ای سود جست‌ه‌ام. در این جا باید به نکته‌ای استثنایی اشاره کنم: به طریقی که من، بی‌اشاره یا با اشاره‌ای مختصر، از موضع ناظر خارجی به موضع هنرمند خلاق وارد می‌شوم، شاید خواننده را مشوش سازد.

اما فعالیت من چه در نگارش این کتاب چه در پربارترین سال‌های زندگی‌ام، اگر فلسفی نباشد چگونه فعالیتی است؟ فعالیت انتقادی نیست چون هرگز به ارزیابی آثار مشخص هنری یا طبقه‌بندی هنرمندان به ترتیب ارزش‌شان تظاهر نکرده‌ام. تاریخی هم نیست چون با این‌که از پیوندهای میان سنت‌ها آگاهم و مشتاق ردیابی پیدایش مجددشان هستم، نه برای ارایه‌ی تصویری کامل از یک دوره‌ی تاریخی روشی اصولی دارم و نه کلاً اطمینان دارم که بتوانم پیدایش مکتبی را تعریف یا نسلی را طبقه‌بندی کنم. می‌توان شیوه‌ای را که برمی‌گزینم فلسفی نامید چون تأییدی است بر ارزش‌داوری. به بیان دقیق‌تر: معتقدم که هنر در میان عوامل یا ابزارهای تکامل انسان، بی‌نهایت مهم است. معتقدم که قدرت درک هنری، وسیله‌ای بوده است که انسان به کمک آن در وهله‌ی نخست صاحب خودآگاهی می‌شود و سپس آن را می‌پالاید. شکل، سامان‌دهی تدریجی عناصر هماهنگ شده‌ای که اگر چنین نشوند آشفته خواهند بود، در ادراک حسی تحقق می‌یابد. شکل در تمام مهارت‌ها وجود دارد. مهارت، همان گرایش طبیعی و غریزی به شکل است که در عمل متجلی می‌گردد. در





ورای این سطح فیزیولوژیکی و غریزی، هر پیشرفتی در تکامل انسان، همواره وابسته‌ی تحقق ارزش‌های شکلی [= فرمی] بوده است.

تحقق ارزش‌های شکلی، همان فعالیت هنری یا زیبایی‌شناختی است. فعالیت هنری، ماهیت و کارکردی زیست‌شناختی دارد؛ و تکامل انسان، به ویژه و استثنائاً به واسطه‌ی دارا بودن همین قدرت درک هنری، از تکامل جانوران متمایز می‌گردد.

دلیل این اعتقاد به‌طور اصولی در این کتاب شرح داده نشده است، بلکه ماهیت کتاب حاضر، تابع همین اعتقاد است. از نقاشی‌های درون دوره‌ی پارینه‌سنگی گرفته تا آخرین آثار دوره‌ی کانستراکتیویسم، (ساختمان‌گرایی) هیچ دوره‌ای در هنر نیست که به‌نظر من نمایان‌گر مفهوم زیست‌شناختی و هدف‌مند فعالیت هنری انسان نباشد. چنین است فرض بنیادی مقالات این کتاب و هرگونه پیوستگی منطقی که در آنها وجود داشته باشد ناشی از همین فرض است.<sup>۱</sup>

در پایان کتاب، یادداشتی حاوی مشخصات چاپ اصلی مقالات دیده می‌شود. دو تا از مقاله‌ها شاید مستلزم مختصر توضیحی برای توجیه درج‌شان در این‌جا باشند. فکر می‌کردم مقاله‌ی هنر انگلیسی نشان می‌دهد که ارزیابی من از هنر معاصر، از تمایل عمیق به آن چیزی که در هنر دوران گذشته اصیل‌تر از همه می‌دانم مستقل نیست و مقاله‌ی سوررئالیسم و اصل رمانتیک نشان می‌دهد که فلسفه‌ی هنری من به هنرهای نقاشی و پیکرتراشی محدود نمی‌شود.

هربرت رید

استونگریو: ژانویه ۱۹۵۱

## بخش نخست

۱. فرمول‌بندی مستقیم‌تری از این فرض را در سخن‌رانی یادبود کانوی در سال ۱۹۵۱ با نام «هنر و تکامل انسان» (London, Freedom Press) آورده‌ام.